هو العلیم

فضیلت زیارت قبر امام حسین علیه السّلام از منظر مرحوم علامه طهرانی

آیة الله حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

اربعین در فرهنگ شیعه

بسم اللّه الرحمن الرحيم

در کتاب «الفردوس الاعلی» از دیلمی روایت است که پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فرمودند: موسی ابن عمران از پروردگارش مسألت نمود تا زیارت قبر حسین بن علی علیهما السلام را بنماید و با معیت هفتاد هزار ملائکه زیارت قبرش را کرد.

و أبان بن تَغْلِب از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت گفت: **وَ کل اللّه بقبر الحسین علیه السلام أربعة آلاف مَلَکاً شُعْثاً غُبْراً یبکونه إلی یوم القیمة. فمن زاره عارفاً بحقّه شَیعوه حتّی یبَلِّغوه مأمنه، و إنْ مَرَضَ عادُوه غدوةً و عَشیاً، و إذا مات شَهِدوا جنازته و استغفروا له الی یوم القیمة.** «خداوند در اطراف قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته گماشته است که همگی با موهای ژولیده و پریشان و با صورت های خاک آلوده بر وی تا روز قیامت می‌گریند. پس کسی که او را با معرفت به حقّش زیارت کند او را بدرقه می‌کنند تا به مأمنش برسانند و اگر مریض گردد وی را هر صبح و شب عیادت کنند، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنند و برای او از خداوند طلب غفران نمایند تا روز قیامت.»

و از حضرت امام محمّد باقر علیه السلام مروی است که فرمود: **مُرُوا شیعتنَا بزیارة الحسین علیه السلام فإنَّ زیارتَه تدفع الهدم و الحرق و الغرق و أکل السَّبُع، و زیارته مفترضةٌ علی من أقرّ بالإمامة من اللّه.** «شیعیان ما را امر کنید به زیارت حسین علیه السلام زیرا زیارتش انسان را از آوار بر سر فرود آمدن، و از آتش سوزی، و غرق شدن، و طعمه درندگان گردیدن حفظ می‌نماید و زیارت او از جانب خدا واجب شده است بر کسی که اقرار به امامت او داشته باشد.»

اسحاق بن عمّار روایت نموده است که: امام صادق علیه السلام فرموده اند: **ما بین قبر الحسین إلی السّماء السّابعة مُخْتَلَف الْمَلَائِکةِ.** «ما بین قبر امام حسین علیه السلام تا هفتمین آسمان محل رفت و برگشت فرشتگان است.»

از حضرت امام کاظم علیه السلام وارد است: **مَن زار قبر الحسین علیه السلام عارِفاً بحقّه غَفَر اللّه له ما تقدّم** من ذنبه و ما تَأخّر. «هر کس با حقّ معرفت، حسین را زیارت کند گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می‌شود.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام روایت است: روزی حسین- صلوات اللّه علیه- در دامان پیامبر نشسته بود و پیامبر با او بازی می کرد و وی را خنده می انداخت. عائشه گفت: چقدر سُرورت از این پسر بچه زیاد است؟!

پیامبر فرمود: وای بر تو چگونه این طور نباشد با وجود آنکه او میوه دل من و موجب تر و تازگی چشم من می‌باشد؟! آگاه باش: امت من او را خواهند کشت. پس کسی که او را بعد از شهادتش زیارت کند، خداوند برای او یک حج از حجّ های مرا می نویسد.

عائشه گفت: یا رسول اللّه یک حج از حج های شما؟!فرمود: آری دو حج از حج های من.

عائشه گفت: دو حج از حج های شما؟! فرمود: آری سه حج. و به همین ترتیب پیوسته عائشه زیاد می نمود و پیامبر بالا می برد و مضاعف می گردانید تا به هفتاد حج از حج های پیامبر بالغ شد با

عمره هائی که با آن حج ها پیامبر بجای آورده است.[1]

و در رساله «مقنعه» و مزار کلینی با إسنادش از امام رضا علیه السلام روایت است که: **من زَار قبر أبی عبدالله علیه السلام بشطِّ الفرات کان کمن زار الله فوق عَرشه.** «هر کس قبر اباعبدالله علیه السلام را در شطّ فرات زیارت نماید همچنان است که خداوند را در بالای عرش او زیارت کرده است.»

رقعه‌هائی که از آسمان به زمین می‌آید برای امان زائر أباعبدالله علیه السّلام

همچنین مرحوم علامه طهرانی رضوان الله علیه در جلد دوم کتاب انوارالملکوت می نویسد: روایات در ثواب زیارت حضرت سید الشهداء علیه السّلام زیاده از حدّ إحصاء است؛ لیکن در اینجا یک حکایت لطیفی را از مرحوم شیخ محمّد بن المشهدی که در کتاب «مزار کبیر» خود آورده است نقل می کنیم: سلیمان أعمش گوید که: در کوفه منزل داشتم و مرا در آنجا همسایه ای بود که طریق اهل بیت نداشت؛ من بعضی از اوقات با او می نشستم و مذاکره می نمودم. در شب جمعه ای به او گفتم: تو چه می گوئی در زیارت حسین علیه السّلام؟ گفت: بدعت است و هر بدعت ضلالت است. و هر ضلالت در آتش است!

من با نهایت خشم از نزد او برخاستم و به منزل آمدم، و با خود گفتم: چون سحر شود به نزد او می‌روم و از فضایل مولا أمیرالمؤمنین آنقدر برای او نقل می کنم که از شدّت حزن و غصّه چشمانش گرم شود. سحر به منزل او رفتم و در زدم، صدا از پشت در آمد که در منزل نیست و به زیارت حسین به کربلا رفته است. تعجّب نمودم و به شتاب به سمت کربلا حرکت کردم. آن شیخ را دیدم که سر به سجده گذارده، و از رکوع و سجود خستگی نداشت. بدو گفتم: تو می گفتی که زیارت حسین بدعت است و هر بدعت ضلالت و هر ضلالت در آتش است! چه شد که خود به زیارت آمدی؟!

گفت: ای مرد! مرا ملامت مکن که من از حقّانیت اهل بیت خبری نداشتم. دوش که به خواب رفتم مردی را در خواب دیدم که نه بلند بود نه کوتاه، و از نهایت حسن و بهاء نمی توانم توصیف کنم. او راه می‌رفت و اطراف او را هاله وار جماعتی احاطه کرده بودند. و جلوی این جماعت مردی بر اسبی سوار بود که دم اسب او چند بافت داشت، و این مرد تاجی بر سرش بود که چهار گوشه داشت، و بر هر گوشه جواهری رخشان بود که در ظلمات شب هر کدام مسافت سه روز راه را روشن می کرد.

پرسیدم: آن مرد که دور او را گرفته‌اند کیست؟ گفتند: محمّد بن عبدالله خاتم النبیین است.
پرسیدم که این سوار که در جلو می‌رود کیست؟ گفتند: أمیرالمؤمنین علیّ بن أبی‌طالب است.
آنگاه بر آسمان نظر افکندم دیدم ناقه ای از نور، و بر آن هودجی است و در هوا حرکت می‌کند.
گفتم: این از آنِ کیست؟ گفتند: از آنِ خَدیجَه بنت خُوَیلِد و فاطمه زهراء.
گفتم: آن جوان کیست؟ گفتند: حضرت حسن مجتبی.
گفتم: این جماعت و این هودج همگی به کجا می‌روند؟ گفتند که شب جمعه است و همگی به زیارت کشته شده به تیغ ستم، سید الشّهداء حسین بن علی به کربلا می‌روند.
آنگاه متوجّه هودج شدم، دیدم رقعه هائی از آن به زمین می‌ریزد و بر روی هر یک از آنها نوشته است: **أمانٌ مِنَ النّارِ لِزُوّارِ الحُسَینِ علیه السّلام فی لَیلَة الجُمُعَة**؛ [امان از جانب پروردگار است برای زائرین حسین علیه السّلام در شب جمعه از آتش دوزخ]
آن وقت هاتفی ندا کرد ما را که: آگاه باشید که ما و شیعیان ما در درجه عالیه ای در بهشت قرار

[1] امام شناسی، ج ۱۶ و ۱۷، ص ۶۱۹، تعلیقه.

خواهیم داشت! ای سلیمان! من از این مکان مفارقت نمی کنم تا روح از بدنم مفارقت کند.

مرحوم شیخ نوری گوید که: مرحوم طُرَیحی آخرِ این خبر را چنین نقل کرده است که آن شیخ گفت: ناگاه دیدم رقعه هائی از بالا به زمین می‌ریزد. سؤال کردم که چیست؟ گفتند که: این رقعه های امان است برای زوّار حسین علیه السّلام در شب جمعه. من یکی از آنها برای خود طلب کردم. گفتند: این رقعه‌ها حقّ تو نیست! تو می‌گوئی زیارت حسین بدعت است! هرگز از این رقعه ها نخواهی یافت تا آنکه زیارت کنی حسین علیه السّلام را و اعتقاد کنی به فضل و شرافت او!

پس من از خواب بیدار شدم و هراسان بودم، و در همان ساعت قصد زیارت سید خودم حسین علیه السّلام را نمودم.